

هو الله - لك الحمد يا إلهي بما كشفت الغطاء وهتكت الحجاب...

حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسي



٨٩

هو الله

لك الحمد يا إلهي بما كشفت الغطاء وهتكت الحجاب وأوقدت سراج الهدى في قلوب نفوس انجذبوا الى مشاهدة الجمال في الأفق الأعلى و هديتهم الى المنهج القويم والصراط المستقيم. حتى سلکوا في المحجة البيضاء ووردوا على الشريعة السمحة النوراء. و شربوا من زلال العرفان و ترنحوا من نسائم رياض الايقان. ربّ ربّ انزلهم منزلا مباركا و ادخلهم مدخل صدق و اجعلهم آيات الثبوت و الرسوخ بين خلقك و رايات العزة و الجبور بين عبادك لا تززعهم زوابع الامتحان و لا تنزلهم قواصف الأفتان و يقوموا على نصرة أمرک و نشر نفحاتک و هداية الذين احتجبوا بعد ما آمنوا و نكثوا بعد ما عاهدوا و رجعوا بعد ما أقبلوا فهاموا في فلوات الظلام و احتجبوا عن مشاهدة نور الجمال مع ذلك انهم عبادک و خلقک، منهم ضعفاء يستحقون فضلك و عنايتک و فقراء يحتاجون الى كنز غنائک رب رب انهم عمى فابصرهم و صم فاسمعهم و بكم فانطقهم و أموات فاحيهم بنفحات قدسک انک أنت المقتدر العزيز القويّ العليم الحكيم

ای دو نفس زکیه راجعه الى الله، چون ندای هاتف غیبی را بگوش جان شنیدید که میفرماید یا ”آیتها النفس المطمئنة ارجعی الى ربّک“ الحمد لله رجوع الى الله نمودید. و از بیداء هلاک نجات یافتہ بسر چشمه حیات



ORIGINAL



AUDIO

رسیدید پرده و حجاب دریدید و نور حقیقت دیدید. این از فضل و موهبت حضرت کبریاست که دیده بسته را باز نمود. و از مفازه بی فوز و فلاح بساحل بحر الطاف وارد نمود. حال وقت آنست که آن قوم عنود را از جحود یهود خلاص نمائید. و بجمال موعود هدایت کنید و بر ورد مورود وارد و از رفد مرفود نصیب بخشید و در ظلّ ممدود در آرید و بمقام محمود رسانید.

سبحان الله موعود جمیع کتب و صحف بشرطی مشروط و بعلاماتی مرهون که بظاهر اگر ناس محتجب میشدند بهانه ئی داشتند. مثلاً موعود یهود مشروط بخروج از مکان غیر معلوم بود و از جمله شروطش سلطنت غیر محدود و جلوس بر سریر داود و سلّ سیوف و تجهیز الوف و ترویج تورا و تشهیر آیات و تعمیم شریعت موسی و ظهور عدالت کبری تا گرگ و برّه و پلنگ و بزغاله و شیر و گوساله و مار و طفل شیرخواره همدم و هم آشیان و همراز گردند. و این بنصوص قاطعه تورا مسلم در نزد عموم بود. چون حضرت روح الله بنور هدی آفاقرا روشن کرد هیچیک از این شروط و علائم بحسب ظاهر آشکار نگردید. زیرا کلّ این بیانات معانی حقیقی داشت و رموز و اسرار بود. اگر چه یهود انکار نمودند ولی بحسب ظاهر عذری در کار بود و همچنین موعود انجیل باید با خیل و حشمی عظیم و جنود ملائکه علیین بر ابری سوار از آسمان بزمین آید و آفتاب و ماه تاریک شود و جوق نجوم بر روی ارض متساقط شود. و آن موعود جلیل با بوق و نفیر و افواج فرشته اثر از آسمان باینجهان آیند و شرق و غرب را بصوت صافور بیدار و هشیار کنند. لهذا اگر مسیحیان در ظهور جمال محمدی بهانه ئی جستند بحسب ظاهر عذری آوردند. و همچنین موعود فرقان مشروط بعلائم بی پایان بود جابلقا و جابرصا و فتح شرق و غرب و جنوب و شمال و سلطنت قائم و سلطنت سیدالشهداء و نزول عیسی و ظهور دجال و قیامت کبری و حشر و نشور و جنت موعود و نیران ذات الوقود و امثال ذلک علائم لا تحصی بود اگر فرقانیان عذر و بهانه ئی مینمودند در نزد جاهلان مسموع بود.

اما موعود بیان حضرت اعلی روحی له الفداء چنان واضح و آشکار فرمودند که از برای نفسی نه سرّاً و نه چهارا نه باطنا نه ظاهراً نه معنی نه صورت عذر و بهانه ئی باقی مانده. بنص صریح میفرماید ایّاک ان تحتجب بالواحد البیانیه أو بما نزل فی البیان. ملاحظه فرمائید که میفرماید مبدا به بیاناتیکه در آثار نقطه اولی است از او محتجب شوید. یعنی بگوئی که در بیان چنین فرموده و چنان منصوص است. و همچنین میفرماید که مبدا بواحد اول از او محتجب شوی و واحد اول نفس حضرت اعلی روحی له الفداء. و هیجده حروف حیّ است و یکی از آن حروف حیّ حضرت قدوس است که حضرت اعلی روحی له الفداء بنص صریح میفرماید که سیزده واحد از مرایا در ظل حضرت قدوسند. با وجود این میفرماید مبدا بمن و بحروف حیّ از جمال موعود محبوب گردی.

پس ملاحظه گردد که چه قدر تأکید فرموده و میفرماید که در یوم ظهور جمال مقصود مبدا نظر بمن کنید که من تصدیق مینمایم یا نه و بسبب من محتجب از او گردید. یعنی اقبال و تصدیق من و حروف حیّ را منوط

و مشروط ندانید. این معلومست که حضرت اعلیٰ روحی له الفداء مبشر بجمال قدم بودند و مروج آثار او استغفر الله نسیان بآن عالم پاک راه ندارد تا چه رسد بعصیان. اینکه میفرماید مبادا بمن از او محتجب شوید تصور محالست. با وجود این بجهت تأکید میفرماید و تصریح میکند تا نفسی من بعد نگوید اگر این امر حق بود و این موعود موعود بیان البته مرآت قبول مینمود و اعتراف میکرد و همچنین مبادا محتجب ببعضی ظواهر بیان بشوند مثل آنکه شده‌اند. از جمله میگویند که توقیعی از حضرت اعلیٰ روحی له الفداء صادر که در مکتب من یظهره الله خوانده شود پس مکتب من یظهره الله کو و سلاطین بیان کجا است و معابد و مساجد بیان کو و علائم و شعائر آن کجا است هنوز مسجدی بر پا نشده معبدی پیا ننگشته شریعت بیان ترویج نشده اوامر الهیه ظاهر نگشته چگونه موعود جدید آمده و من یظهره الله ظاهر شده یا الله انصاف بدهید و چشم اعتساف پوشید اگر اهل فرقان فریاد بر آرند که حضرت اعلیٰ روحی له الفداء فرمودند من موعود فرقانم و قیامت بر پا شد و طامه کبری ظاهر گشت ان کان هذا هو القائم الموعود این سیفه المسلول و این لوائه المعقود و این جنوده المجنّده و این الاعنة و الاسنة این ترویجه للشريعة الغراء و این تعمیمه للطريقة السمحة البيضاء این طیران النقباء و النجباء و این اجتماعهم فی أمّ القرى این القيامة الكبرى این المیزان این الصراط این الحساب این المحیم المتسعة و این الجنة المتبهجة این الكوثر و السلسبیل و این الكأس المزوجة بالكافور و الزنجبیل این الحوريات القاصرات الطرف فی الخيام و این الولدان المخدّون كانهم لؤلؤ مکنون این الملائكة الغلاظ الشداد و این السلاسل و الاغلال و این و این.

حضرت اعلیٰ روحی له الفداء میفرمایند که جمیع این شروط و علائم و وقائع در لمح البصر واقع و لکن ناس از مشاهده اش محتجب. یا الله این الانصاف جمیع این وقایع در لمح البصر واقع شد و تأویل داشت و مکتب من یظهره الله قابل تأویل نیست. انصفوا یا قوم ملاحظه کنید که چه قدر غافلند حضرت اعلیٰ میفرماید ایّاک ان تحتجب بما نزل فی البیان این میگوید کو مکتب من یظهره الله ذکر مکتب ما نزل فی البیان است که میفرماید مبادا بان محتجب از من یظهره الله گردی باری الحمد لله که حضرت اعلیٰ روحی له الفداء هیچ حجابی نگذاشتند جمیع را خرق فرمودند لکن این قوم عنود مانند عنکبوتند هر چه پرده آنرا بدری فوراً پرده جدید بتند زیرا این احتجاب منبعث از کینونت انسانست چون امری از لوازم ذاتیه شیء باشد انفکاک از آن محال است و علیکم التحية و الثناء (ع ۶)

